

علوم سیاسی

دیروز و امروز یک ملت

واکاوی تحولات ترکیه از ۱۹۸۹ تا امروز

کرم اُکتم

مترجمان: احمد موثقی و شیوا علی‌زاده



انتشارات
دنیای اقتصاد

مقدمه مترجمان	۹
یادداشت تبیینی نویسنده	۲۹
پیش‌گفتار	۳۳
مقدمه	۳۷
کارکردهای دولت نگهبان	۴۵
دگرگونی‌های شگرف	۴۹
فصل اول	
امپراتوری و ملت پیش از سال ۱۹۸۰: سال‌های پایانی دولت عثمانی و جمهوری ترکیه	۵۳
اصلاحات و فروپاشی امپراتوری	۵۵
دولت تک‌حزبی کمالیستی (دهه ۱۹۲۰-۱۹۴۶)	۶۶
دموکراسی ناقص دولت نگهبان (۸۰-۱۹۴۶)	۸۵
فصل دوم	
دوران اوزال: گسست، وعده و فرصت‌های از دست رفته (۹۱-۱۹۸۰)	۱۰۵
سکوت و شکنجه: ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰	۱۰۸
نوید مام میهن: ثروت و ثبات	۱۱۹
پیوند دوباره با دنیا: آمریکا، اروپا و سال ۱۹۸۹	۱۲۹
فصل سوم	
دهه از دست رفته: جنگ‌ها، بحران‌ها و ائتلاف‌های ضعیف (۲۰۰۲-۱۹۹۱)	۱۴۱
وضعیت اضطراری در شرق: جنگ با کردها در دهه ۱۹۹۰	۱۴۶
مبارزه با ترور: دولت نگهبان در غرب ترکیه	۱۵۷
کودتاهای پست‌مدرن و تَرَک‌ها در نظام (۲۰۰۱-۱۹۹۷)	۱۶۹
بحران‌ها، امیدها و نجات‌دهندگان (۲۰۰۲-۲۰۰۰)	۱۸۱

فصل چهارم

حزب عدالت و توسعه: «کالونیست‌های اسلامی» در برابر دولت نخبه‌بان (۲۰۰۲-۲۰۰۷)	۱۸۹
کالونیست‌های اسلامی در قدرت	۱۹۵
جنگ و صلح در کردستان	۲۱۳
خاطره و واقعیت: بازگشت نخبه‌بانان	۲۱۸

فصل پنجم

ملتی دیگر: حرکت به سوی امروز (۲۰۱۰-۲۰۰۷)	۲۳۵
افشای دولت نخبه‌بان	۲۳۸
امور داخلی: کردها، علویان و حقوق بشر	۲۴۴
تعامل با جهان	۲۵۱
سناریوهای امکان‌پذیر برای آینده ترکیه	۲۷۱
منابع	۲۷۷
نمایه	۲۸۵

تصور کنید کشوری بیش از سیاست، جامعه و تاریخ پیچیده‌اش، با مجموعه‌ای از استعارات شناخته و توصیف شود، استعاره‌های دهان‌پرکنی مانند «پل میان شرق و غرب»، گذرگاهی که اروپا و آسیا را به هم پیوند می‌دهد، سنت و مدرنیته را ترکیب می‌کند، و امیدها را به امکان همزیستی اسلام و دموکراسی افزایش می‌دهد. این کشور، البته ترکیه است، با دولتی مدرن در خشکی‌های آسیای صغیر که تا دریای اژه ادامه دارد و بخشی از اروپا را نیز در غرب تراکیه‌ای در برمی‌گیرد. کشوری که بیشتر جمعیت آن مسلمان هستند، با شماری از ترسناک‌ترین دیکتاتورهای خاورمیانه و چند کشور از اتحادیه اروپا همسایه است، و یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی را در جهان دارد. تعداد کمی از کشورها هستند که در مباحث مربوط به «برخورد تمدن‌ها» یا «آینده اروپا» بارها به آنها اشاره شود. شمار کشورهایی که مکرراً قرائت و ادراک نادرستی از آنها وجود دارد نیز زیاد نیست. استعاره‌هایی مانند پل‌ها و گذرگاه‌ها، اغلب حسن‌تعبیری هستند که منازعه‌های میان جفت‌های این استعاره‌ها را پیچیده‌تر می‌کند: منازعه بین شرق و غرب، اروپا و آسیا، اسلام و سکولاریسم. اما این جفت‌های ساده‌انگارانه برای شناخت ترکیه امروز که کشوری است با پیچیدگی تکان‌دهنده و پویایی کنجکاوی‌برانگیز و نیز برای درک فرایندهای تاریخی که آن را به این شکل درآورده‌اند، مناسب نیستند. این

کتاب، با چارچوب پیشنهادی خود، می‌خواهد پیچیدگی‌ها و منازعه‌های دور از عقل و بصیرت گذشته متاخر و حیات سیاسی امروز ترکیه را معنادار سازد. برخلاف سایر کتاب‌های مجموعه «تاریخ جهانی عصر حاضر»، کتاب «ملت خشمگین» به جای سال ۱۹۸۹ از سال ۱۹۸۰ آغاز و در فصل مقدماتی آن به چگونگی ظهور دولت-ملت مدرن ترکیه از قرن نوزدهم پرداخته می‌شود. بنابراین، داستان اصلی کتاب، دو نقطه آغاز دارد: در سال ۱۹۸۰، یک گسست کلیدی و تکان‌دهنده رخ می‌دهد. در حالی که در سال ۱۹۸۹، بستری جدید برای تعامل ترکیه با جهان در آینده فراهم می‌شود. بسیاری از تغییرات مهمی که اغلب به انقلاب‌های اروپای شرقی در سال ۱۹۸۹ نسبت داده می‌شوند مثل پایان ناگهانی رژیم‌های اقتدارگرا و سوسیالیسم، پیروزی آشکار لیبرال‌دموکراسی و اقتصاد بازار -یا به‌طور خلاصه، فانتزی ناپخته «پایان تاریخ فوکویاما»- در ترکیه در دهه ۱۹۸۰ پیش‌تر به وقوع پیوستند.

مداخله نظامی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، در نهایت بی‌رحمی اتفاق افتاد: کودتا به زندانی شدن و شکنجه بیش از نیم میلیون شهروند توسط پلیس و نیروهای مسلح، ممنوعیت فعالیت اتحادیه‌های کارگری و محو تقریباً کامل حیات جمعی و نهادهای مدنی^۱ کشور انجامید. اما این حرکت به‌شدت مخرب، لوح سفیدی نیز برای گذار سریع از اقتصاد کورپوراتیستی درون‌نگر مبتنی بر جایگزینی واردات به اقتصادی که به‌خوبی جهانی‌شده و صادرات‌محور است و سرمایه‌داران دارای اعتماد به نفسش در نهایت تلاش‌های محدودکننده دولت را به مبارزه می‌طلبند، فراهم آورد. بنابراین کودتای سپتامبر، همراه با اعلام برنامه تجدید ساختار نئولیبرال در ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰، ساعت صفر در تاریخ معاصر ترکیه را ثبت می‌کند. این رویداد با آزادسازی‌های نیروهای بازار، جلودار فرایندهای دگرگون‌ساز مشابه در اروپای شرقی شد. کودتای سپتامبر با وجود ماهیت خونین خود در زمان تولد، همچنین دروازه‌هایی را به روی نسلی از

طبقه‌های اجتماعی جدید، افزایش سطوح ثروت، فرهنگ سیاسی لیبرال‌تر و ظهور سیاست جدید اجتماعی و هویت‌محور، گشود.

در سال ۱۹۸۹، مقطع کلیدی دوم و یک نقطه عطف مهم تاریخی در ترکیه رقم خورد که با گسست‌های اساسی در اروپای شرقی همزمان شد: ۹ نوامبر ۱۹۸۹، دیوار برلین فروریخت، و مجمع ملی کبیر یا همان پارلمان ترکیه، تورگوت اوزال را به ریاست‌جمهوری برگزید. اوزال جای ژنرال کنعان اورن، رهبر کودتای ۱۹۸۰ را گرفت و بنابراین به نماد بازگشت حکومت غیرنظامی و عقب‌نشینی ناقص و بدون رغبت ارتش به پادگان‌ها تبدیل شد. اوزال از پیدایش یک طبقه جدید کارآفرین بی‌پروا و در جستجوی سود حمایت کرد و روح تازه بازارمحور را دمید که به بسط و گسترش اقتصاد و کالایی شدن حیات روزمره و رای مراکز صنعتی مستقر در غرب ترکیه انجامید. در داخل ترکیه، رقابت میان دو اردوی سکولاریست و اسلام‌گرا، جانشین تقسیم‌بندی پیشین بین سوسیالیست‌ها و محافظه‌کاران شد، ضمن اینکه جنگ میان نیروهای امنیتی و چریک‌های کرد شدت گرفت.

سال ۱۹۸۹، هزاران فرصت جدید در همسایگی نزدیک ترکیه خلق کرد و اوزال، هنرمندانه از این فرصت‌ها بهره برد: فروپاشی شوروی، راه جمهوری‌های ترک‌زبان آسیای مرکزی را گشود، سقوط کمونیسم در کشورهای بالکان موانع دسترسی به این همسایگان را برطرف کرد و مداخله آمریکا در عراق، نویدبخش نقش منطقه‌ای برجسته‌تر شد. اوزال در چنین بستری تقاضای عضویت کامل در جامعه اروپا، که بعد اتحادیه اروپا خوانده شد - را مطرح کرد، اما در نهایت از آن ممانعت شد. بنابراین ریشه بیشتر مسائل مهم داخلی و خارجی را که در طول سه دهه گذشته، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست ترکیه داشته‌اند می‌توان در دوره کوتاه نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری اوزال یافت، و اکثر دستاوردها و شکست‌های خط سیر اقتصادی و سیاسی ترکیه را نیز می‌توان با توجه به پس‌زمینه این دوره سنجید.

جنبه دیگر دگرگونی‌های اروپای شرقی در سال ۱۹۸۹، روند دردناک

فصل اول

امپراتوری و ملت پیش از سال ۱۹۸۰: سال‌های پایانی دولت عثمانی و جمهوری ترکیه

تاریخ ترکیه امتداد تاریخی عظیم‌تر است، و بنابراین حتی برای بررسی تاریخ سه دهه اخیر، ضرورت دارد به عقب برگشته و میراث‌های کلیدی شکل‌دهنده وضع کنونی‌اش را کاوش کنیم. در این فصل و فصل‌های بعد می‌خواهم نشان دهم بخش زیادی از خشونت و خشمی که از دهه ۱۹۸۰ معرف ترکیه شده است، حاصل خط سیر خاص نوسازی از بالا، توسط دولتی که اغلب علیه مردمش عمل کرده، و فرهنگ سیاسی تحت سلطه دولت «عمیق» یا «نگهبان» که با خدعه و تقلب و فریب عمل کرده، است. بنابراین برای درک دوره ۲۰۱۰-۱۹۸۰ باید به ارزیابی مختصر سه مقطع بنیادی پرداخت که شرایط ایجاد زیربنای سیاسی، ایدئولوژیک و نهادی ترکیه مدرن را فراهم کردند. مقطع نخست، تجربه اصلاحات نظامی، حقوقی و اداری عثمانی در بستر شکست از قدرت‌های اروپایی و واگذاری بخش‌هایی از قلمروی خود به آنها و نیز دوره‌هایی از جنگ و پاکسازی قومی، است. این دوره بین اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن بیستم بود که نهادهای دولت مدرن همراه با ایدئولوژی و کادرهایی که آنها را اداره می‌کردند، پدید آمدند. دومین مقطع، دوره حکومت تک‌حزبی کمالیست‌ها و ظهور جمهوری ترکیه از میانه تلاش‌های منازعه‌آمیز برای غربی

شدن در قرن نوزدهم است. این تلاش‌ها منازعه‌آمیز بود زیرا: اروپا هم دشمنی بود که قصد نابودی امپراتوری را داشت و هم معیاری تمدنی به شمار می‌رفت که رسیدن به سطح تمدن آن آرزو بود؛ اگر که به جای «مرد بیمار اروپا»، تنها به‌عنوان عضوی برابر پذیرفته می‌شد. از سال ۱۹۲۳ تا گذار به نظام چندحزبی در اواخر دهه ۱۹۴۰، ایده ایجاد یک دولت-ملت همگون از نظر قومی و مذهبی از طریق یک دولت تک‌حزبی به غایت اقتدارگرا و ایدئولوژیک، دنبال شد. سومین دوره که به کودتای نظامی ۱۹۸۰ انجامید و از پیشینه‌های بلافصل تاریخ امروز ترکیه به‌شمار می‌رود، دوره «دولت نگیهان در عمل» است، که با گذار ناقص به دموکراسی، دستکاری سیاسی، سیاست حزبی ضعیف، مبارزه قدرت بین حکومت‌های منتخب و بازیگران غیرمنتخب مانند ارتش، بوروکراسی و قوه قضاییه، نیز قطبی شدن فزاینده سیاسی و خشونت توده‌ای، مشخص می‌شود.

بسیاری از موضوعات عمده‌ای که در منازعات هر روزه و کنونی ترکیه غالب هستند در این سه دوره پیاپی شکل گرفته‌اند: این که ترک‌ها و در ارتباط با آنها، کردها، علوی‌ها و غیرمسلمانان چه کسانی هستند و منزلت سیاسی و اجتماعی آنان چیست، یعنی مسئله شهروندی؛ جنگ‌ها و حوادث خشونت‌باری که به فروپاشی امپراتوری و تثبیت جمهوری انجامید؛ ماهیت انحصاری ملی‌گرایی و ملت‌سازی، و نیز جایگاه ترکیه در نظم بین‌المللی قرن بیستم و روابطش با اروپا، ایالات متحده و همسایگان نزدیکش. با وجود این، در راس همه یک مسئله وجود دارد که به نظر می‌رسد تمام مسائل فوق را در شبکه‌ای پیچیده به هم پیوند می‌دهد: آیا حکومت‌های منتخب در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ واقعا قدرت را در دست داشتند یا تنها به توطئه‌های نگیهانان غیرمنتخب دولت، یعنی ارتش، بوروکراسی و قوه قضاییه واکنش نشان می‌دادند؟ چگونه بوده که نگیهانان، هنگامی که فراتر از وظایف و نقش‌های قانونی خود عمل کرده‌اند، بلافاصله توسط قوه قضاییه تیرئه شده و توسط بوروکراسی حمایت شده‌اند؟ آیا دانشجویان «مترقی» دهه ۱۹۵۰ می‌دانستند «دفتر ویژه جنگ» آنان را برانگیخته بود تا به خیابان‌ها بریزند؟ آیا فاشیست‌ها، سوسیالیست‌ها، اسلام‌گرایان و کمونیست‌ها به اختیار خود در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با یکدیگر درگیر می‌شدند، یا

صرفا عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی ریاکارانه‌ای شده بودند که به منظور حفظ کنترل بر جامعه‌ای در شرف خارج شدن از کنترل، طراحی شده بود؟

اصلاحات و فروپاشی امپراتوری

سلطین عثمانی تا زمان سقوط امپراتوری در دهه ۱۹۲۰ نزدیک به پنج قرن، از پایتختشان، استانبول، بر آسیای صغیر، بالکان و بیشتر مناطق جهان عرب حکم می‌راندند. عثمانی در قرن شانزدهم، هنگام اوج قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی‌اش، از اتریش و مجارستان تا رومانی و کریمه در اروپا، تا الجزایر جنوب مدیترانه را، در تصرف خود داشت و همه بلاد و مردم ساکن در آنها را ادغام و یکپارچه کرده بود. اما قدرت امپراتوری تا قرن هجدهم کاهش یافت و اهمیت خود را از دست داد. عثمانی با فنون نظامی عقب‌مانده‌اش تاب مقاومت در برابر ارتش‌های پیشرفته‌تر اروپاییان را نداشت، و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی امپراتوری نیز نتوانست با مهارت‌های صنعتی و مساعی بسط و گسترش کاپیتالیستی اولیه اروپا رقابت کند. در زمان سلطان سلیم سوم و همزمان با انقلاب فرانسه، عصر اصلاحات آغاز شد و واژگان مربوط به مدرنیته به سرزمین‌های عثمانی وارد شدند. از آن زمان تا قرن بیستم، تاریخ عثمانی و سپس ترکیه، تحت تسلط سه فرایند به‌هم‌پیوسته قرار گرفتند: فرسایش حاکمیت، روندهای اصلاحات اداری و متمرکزسازی، و جستجو در پی ایدئولوژی جدید که به حکومت عثمانی و بعد ترکیه مشروعیت ببخشد. شکست‌های نظامی و به دنبال آن از دست دادن سرزمین‌های تحت حاکمیت امپراتوری، طیف گسترده‌ای از تغییرات را ضروری می‌ساخت، تغییراتی که به شکل اصلاحات اداری و نظامی از بالا با هدف «نجات دولت» اجرا شدند. با این حال، این اصلاحات در مقابله با رشد ملی‌گرایی و ستیزه‌های بین قومیت‌ها، هم در میان تبعه‌های مسیحی نظیر یونانی‌ها و ارمنه و هم در میان اکثریت جمعیت مسلمان و ترک، شکست خوردند.

ریشه بیشتر ترس‌ها و نگرانی‌ها در گفتمان سیاسی مدرن ترکیه به همین دوره